



پیام روزه بزرگ

برده گناه و محکوم به مرگ ابدی سازند. مسیح در طول ۴۰ روز که در بیابان روزه گرفت و در دعا و نیایش مشغول بود با وسوسه های شیطان که می خواست او را از انجام دادن اراده پدر آسمانی اش منحرف سازد مبارزه کرد و پیروز شد (رجوع شود به انجیل متی باب ۴ آیه ۱-۱۱).

اکثر مردم روزه گرفتن را به معنی پرهیز نمودن از خوردن برخی مواد غذایی مانند گوشت و چربیها می دانند ، اگر چه این برداشت از روزه اشتباه نیست اما ناقص و مطابق روزه ای که خدا از ما می خواهد نمی باشد. اشعیاء نبی روزه ای که پسندیده خدا است اینطور توصیف می کند: "خدا می فرماید : مگر روزه ای که من می پسندم این نیست که بندهای شرارت را بگشائید و گره های یوغ را باز کنید و مظلومان را آزاد سازید و هر یوغ را بشکنید؟ مگر این نیست که نان خود را با گرسنگان تقسیم نمایی و فقیران رانده شده را به خانه خود بیاوری و چون برهنه را ببینی او را بپوشانی و خود را از آنانی که از گوشت تو می باشند مخفی نسازی" (اشعیاء نبی باب ۵۸ آیه ۶-۷) . همچنین عیسی مسیح به ما یادآوری می کند که روزه ای که او از ما می خواهد روزه تپهیر و پاک کردن قلب از هرگونه گناه می باشد. "آنگاه عیسی مردم را پیش خود خوانده به ایشان گفت : به من گوش دهید و این را بدانید که انسان بوسیله آنچه می خورد و می نوشد نجس نمی شود ، بلکه آن چیزی که از دهان او بیرون میاید او را نجس می سازد چیزی که از دهان بیرون میاید از دل سرچشمه می گیرد و آنها است که انسان را نجس

دوستان گرامی ، اکنون که در ایام روزه پنجاهه بسر می بریم در وهله اول خدا را برای این زمان پر فیض و برکت شکر و سپاس گوئیم . انگیزه اصلی سنت برگزاری مراسم روزه پنجاهه که به قرون اولیه بر می گردد توسط کلیسای مقدس پی ریزی و تنظیم گردید آماده ساختن مسیحیان جهان است برای شرکت کردن در مراسم عید باشکوه رستاخیز مسیح که پایه اصلی ایمان ما می باشد . در آخرین هفته روزه که به هفته مقدس معروف است ، کلیسا طی مراسم روحانی و معنوی بسیار باشکوه آخرین اتفاقاتی که برای سرور و نجات دهنده ما عیسی مسیح رخ داده ، یعنی شام آخر ، دستگیری و شکنجه او و همچنین مرگ و رستاخیز وی احیا می کند و از این راه محبت ، ایمان و امید خود را به او ابراز می نماید.

برای تعمق بیشتر در پیام روزه بزرگ امسال می خواهیم به آیه ای از رساله پولس به غلاطیان اشاره کنم ، در این آیه رسول امتهای می فرماید: "به آن آزادی که مسیح ما را به آن آزاد کرده است استوار بمانید و باز در یوغ بندگی گرفتار مشوید" (رساله به غلاطیان باب ۵ آیه ۱).

آزادی که مسیح ما را به آن فرا می خواند آزادی انجام دادن خواسته های جسمانی و شهوات نفسانی ما نیست لیکن آن آزادی است که قلب و وجدان ما را از هرگونه کاری که بر خلاف محبت خدا و انسان است باز میدارد. آزادی طبق انجیل یعنی مبارزه کردن با وسوسه های این دنیا می باشد ، وسوسه هائی که می خواهند انسان را از خدا که منشاء زندگی و سعادت مند است جدا کرده و او را

روحانی ثمره ملاقات شخصی هر یک از ما با عیسی مسیح است. چنین ملاقاتی از راه دعا و توبه، شرکت کردن در مراسم کلیسا مخصوصاً روزهای یکشنبه، اظهار محبت نسبت به نیازمندان و رنج دیده گان میسر و امکان پذیر می باشد.

«برای همه شما عزیزان روزه ای پر از فیض و برکات الهی خواستارم»

خدمتگزار شما

رمزی گرمو

اسقف اعظم خلیفه گری آشوری کلدانی کاتولیک تهران



می سازد. زیرا افکار پلید، قتل، زنا، فسق، دزدی، شهادت دروغ و افترا از دل سرچشمه می گیرند و اینهاست چیزهایی که انسان را نجس می سازد" (انجیل متی باب ۱۵ آیه ۱۰-۱۱ و آیه ۱۶-۲۰).

طبق آیات فوق، پیام روزه پیامی است که انسان را جهت یک مبارزه روحانی و دگرگونی زندگی دعوت می نماید و هرگز به معنی راضی بودن و اکتفا کردن به نخوردن فرآورده های حیوانی و چربی نمی باشد. روزه ای که خدا خشنود می سازد آنست که قلب ما را جهت دریافت فیض توبه که منشاء شادی و آرامش است می گشاید تا اینکه هرگز اسیر و برده گناه که انسان را بسوی ناامیدی و فناپذیری سوق میدهد نباشیم.

دوستان عزیز: از راه دعا و روزه گرفتن سعی کنیم تا ما نیز همانند خداوند ما عیسی مسیح و مقدسین کلیسا دست از مبارزه با وسوسه های گوناگون نکشیم و هرگز خسته نشویم. امروز وسوسه های دنیوی و شیطانی بوسیله ابزار مدرن تبلیغاتی از قبیل ماهواره ها، فیس بوک، اینترنت، موبایل و غیره به ما حمله می کنند تا اینکه ما را فریب داده و منحرف سازند. ناگفته نماند قشر جوان و نوجوان بیشتر آسیب پذیر و قربانی این وسوسه های گمراه کننده است. از روح القدس بخواهیم تا اینکه فیض تشخیص دادن اراده خدا و عمل کردن طبق آن به ما عطا نماید تا بتوانیم از این ابزارها استفاده خوبی را بکنیم و باعث تلف کردن وقتمان نباشند، همچنین از او بطلبیم تا با کمال جرأت و شجاعت نکات ضعف خود را بشناسیم و از آنها نترسیم، بلکه با قلبی فروتن و پشیمان بسوی شبان نیکوی ما عیسی مسیح بشتابیم و صدای دلنشین و پر از مهر و محبت او را بشنویم که میگوید: "بیایید نزد من ای تمامی زحمتکشان و گرانباران و من به شما آرامی خواهم بخشید. یوغ مرا بر گردن گیرید و از من تعلیم یابید، زیرا من بردبار و فروتن هستم و جانهای شما آرامی خواهد یافت و زیرا یوغ من آسان و بار من سبک است" (انجیل متی باب ۱۱ آیه ۲۸-۳۰).

تصمیم بگیریم تا روزه امسال فرصتی مناسب جهت کسب تجربیات روحانی که باعث رشد ایمانی و آگاهی عمیقتر نسبت به مسئولیت مسیحی و کلیسایی ما باشد. تجربه

اختراع ادیسون

ادیسون در سنین پیری پس از کشف لامپ ، یکی از ثروتمندان آمریکا به شمار می رفت و درآمد سرشارش را تمام و کمال در آزمایشگاه مجهزش که ساختمان بزرگی بود هزینه می کرد. این آزمایشگاه ، بزرگترین عشق پیرمرد بود. هر روز اختراعی جدید در آن شکل می گرفت تا آماده بهینه سازی و ورود به بازار شود.

در همین روزها بود که نیمه های شب از اداره آتش نشانی به پسر ادیسون اطلاع دادند ، آزمایشگاه پدرش در آتش می سوزد و حقیقتاً کاری از دست کسی بر نمی آید و تمام تلاش مأموران فقط برای جلوگیری از گسترش آتش به سایر ساختمانها است.

آنها تقاضا داشتند که موضوع به نحو قابل قبولی به اطلاع پیرمرد رسانده شود.

پسر با خود اندیشید که احتمالاً پیرمرد با شنیدن این خبر سگته می کند و لذا از بیدار کردن او منصرف شد و خودش را به محل حادثه رساند و با کمال تعجب دید که پیرمرد در مقابل ساختمان آزمایشگاه روی یک صندلی نشسته است و سوختن حاصل تمام عمرش را نظاره می کند.

پسر تصمیم گرفت جلو نرود و پدر را آزار ندهد. او میاندیشید که پدر در بدترین شرایط عمرش بسر می برد. ناگهان پدر سرش را برگرداند و پسر را دید و با صدای بلند و سرشار از شادی گفت: پسر تو اینجایی؟ می بینی چقدر زیباست! رنگ آمیزی شعله ها را می بینی؟

حیرت آور است! من فکر می کنم که آن شعله های بنفش به علت سوختن گوگرد در کنار فسفر به وجود آمده است! وای! خدای من ، خیلی زیباست! کاش مادرت هم اینجا بود و این منظره زیبا را می دید. کمتر کسی در طول عمرش امکان دیدن چنین منظره زیبایی را خواهد داشت! نظر تو چیست پسر؟

پسر حیران و گیج جواب داد: پدر تمام زندگیت در آتش می سوزد و تو از زیبایی رنگ شعله ها صحبت می کنی؟ چطور می توانی؟ من تمام بدنم میلرزد و تو خونسرد نشسته ای؟

پدر گفت: پسر من از دست من و تو که کاری بر نمی آید. مأمورین هم که تمام تلاششان را می کنند. در این لحظه بهترین کار لذت بردن از منظرهایست که دیگر تکرار نخواهد شد!

در مورد آزمایشگاه و بازسازی یا نوسازی آن فردا فکر می کنیم! الآن موقع این کار نیست!

به شعله های زیبا نگاه کن که دیگر چنین امکانی را نخواهی داشت!

فردا صبح ادیسون به خرابه ها نگاه کرد و گفت: «ارزش زیادی در بلاها وجود دارد. تمام اشتباهات ما در این آتش سوخت. خدا را شکر که می توانیم از اول شروع کنیم».

توماس آلوآ ادیسون سال بعد مجدداً در آزمایشگاه جدیدش مشغول کار بود و همان سال یکی از بزرگترین اختراع بشریت یعنی ضبط صدا را تقدیم جهانیان نمود.

آری او گرامافون را درست یک سال پس از آن واقعه اختراع کرد.

ارزش زیادی در بلاها وجود دارد چون تمام اشتباهات در آن از بین می رود.

آیا گناه وجود دارد؟

از خودم می پرسم آیا واقعاً پدیده ای به اسم "گناه" وجود دارد؟

اگر وجود دارد چه عواقبی برای آنکه مرتکبش می شود و برای جامعه دارد؟

بله گناه وجود دارد و نه تنها بد است بلکه بدی را نیز منتشر می کند. کافیت به چهره جهان فعلی نگاه کنیم ، همه خبرها حاکی از جنگ و بلاهای طبیعی و گرسنگی و غیره است.

آنکه به محبت خدا ایمان دارد ، متوجه می شود که گناه در حقیقت محصول خودخواهی انسان است ؛ یعنی رفتار حق ناشناسانه شخصی که جواب محبت را با بی تفاوتی و بی اعتنایی می دهد.

این حرکت نه تنها بر گننده عمل تأثیر منفی دارد بلکه در جامعه بافتی از خودخواهی را اشاعه می دهد که ثمر آن ایجاد "خشونت" می باشد ؛ به عبارتی ابزار گناه مهیا می شوند. برای همین بسیار مهم است که شخص بتواند گناه را در زندگیش یا بهتر بگوئیم در اعمال و گفتار و افکار روزانه اش تشخیص دهد تا مبادا آنقدر عادت کرده باشد که اصلاً متوجه آن نشود.

"گناه" حربه قدرت بدیست که همواره می خواهد ما را از خدا جدا کند.

وقتی شخص قادر است گناهانش را تشخیص دهد متوجه می شود که چقدر دور از خدا زندگی می کند (یادآور می شویم که خدا برای ما خدای محبت است). شخص باید بتواند در مقابل گناهی که مرتکب شده است احساس ناراحتی کند و متوجه باشد که عهدش را با خدا شکسته است ؛ یعنی در مقابل محبت (برکات) خدا با حق ناشناسی و بی اعتنایی پاسخ گفته است. در حقیقت برای

شخص ایماندار "گناه" باعث می شد تا انسان از مسکن واقعی اش یعنی "خانه پدر آسمانی" دور شود.

بدون "محبت" نمی توان تعلق مان را به خدا حفظ کنیم. "گناه یعنی برخلاف محبت رفتار کردن" ، بنابراین منطبق شدن با محبت انجیلی ، امید به یافتن راه بازگشت به خانه پدر را در ما زنده نگه می دارد.

اگر با همان احساسی که پسر گمشده در حین بازگشت به خانه پدر داشت ، یعنی فروتنی واقعی ، به همان شدت هم با "پدر" روبرو می شویم که در انتظار ما بر در ایستاده و چشم به راه برگشت ما دوخته است.

در مقابل پشیمانی از گناه ، پدر آسمانی با بخشش پاسخ می دهد ، بخششی که دلیل آشتی ما با او است:

«اما هنوز دور بود که پدرش او را دیده ، ترحم نمود و دوان دوان آمده او را در آغوش کشیده ، بوسید» (لوقا ۱۵/۲۰)

این رحمت بی پایان پدر است که ما را در مسیح فرزندان خود ساخته است.



پدیده "ترس"

مورد یکی از راه هایی که پیشنهاد می کنند ، صحبت از ترس ما با دیگری است. ایشان معتقدند که صحبت در این زمینه باعث کم شدن از شدت آن و شاید یافتن راهی برای رفع آن می گردد.

* آنچه که مهم است یافتن ریشه این ترس است. ترس همیشه حاکی از واقعه ای در زندگی شخص است. بدانید برای یافتن ریشه های ترس در وجودتان باید قادر به شنیدن خودتان باشید. اگر یک دوست یا شخص مورد اعتماد دارید کارتتان راحت تر می شود. مواظب باشید به خودتان دروغ نگوئید و از پذیرفتن ضعفتان فرار نکنید.

* فروتنی پر ارزش ترین صفت شخص در این مرحله می باشد. هیچ کسی برای خودش بسنده نیست و یک دوست می تواند بهترین آینه برای ملاقات "من" با "من" شود.

* باید بدانید که ترس ریشه در عمیق ترین نیازهای یک انسان دارد. هرچه بیشتر با چهره حقیقی خود آشنا شوی و آن را بپذیری بیشتر در نقشه های آینده ات موفق خواهی بوده چون آرزوهایت روی یک بنا حقیقی علم می شوند.



در زندگی هر یک از ما لحظاتی وجود دارند که انسان خودش را کاملاً بی دفاع می بیند ، دلش می خواهد به جای خلوتی برود و تا جا دارد فریاد کند. بله ، زندگی شامل این مراحل هم می شود. در حقیقت باید بدانیم که در هر مرحله ای از زندگیمان بخصوص مراحلی که پس از بحران سختی فرا می رسند ، اثر ترس در وجودمان بسیار محسوس است. گاهی ترس ، صرفاً شخصی است و در نتیجه چنین تجربه ای ممکن است شخص مورد نظر انزوا طلب شده و دچار افسردگی شود.

گاهی ترس نتیجه حادثه ایست که برای جماعتی رخ داده و در آن حالت یک همدردی و همراهی در میان افراد آن جماعت رخ می دهد.

خلاصه اثر پدیده ترس بر شخص می تواند قابل جبران باشد و یا بلعکس هرگز رهايش نکند.

ترس چیست؟

متخصصین این رشته می گویند ترس عبارت است از یک سیستم دفاعی شخص ، علامتی است که اعلام خطر می کند.

ترس وقتی بوجود می آید که انسان احساس کند در شرایطی قرار گرفته که قادر به رهایی خود نیست. در چنین مراتعی ترس باعث می شود تا شخص احساس شکست کند و خودش را کاملاً بی مصرف و بدون فایده بداند.

پس در مقابل ترس چه باید کرد؟

* بعضی در زندگی شان برای رفع آن از مواد مخدر یا الکل استفاده کردند. اما صاحب نظران در این

امید داشتن یعنی چه؟

امید داشتن یک مثبت نگری احمقانه نیست! و نه یک طرز فکر و نه یک اعتقاد به اینکه همه چیز بر حسب آنچه مقرر شده پیش میرود... این ها هیچکدام نمیتواند یک دلیل محکم برای امیدواری باشند؛ بلکه **امید ثمره یک تشخیص هوشیارانه که دارای پایه و اساس است، بوده و در انتظار آن ماندن مستلزم بعهدہ گرفتن و بجا آوردن مسئولیت از سوی فرد میباشد.** زیرا انسان موجودی است که دائماً در حال تبدیل شدن است. وقتی هدفی برای آینده مشخص کرده باشیم و با برنامه ریزی خود را برای رسیدن به آن آماده کنیم، این به زندگی ما مفهوم بدهد. بنابراین بدون امید براستی نمیتوان زندگی کرد. و اما وقتی برای آینده آرزو و اهداف خود را مشخص میکنیم، مسلماً تنها "من" راه گشای آینده نیست، بلکه این "من" از راه دیگران و در ارتباط با دیگران به اهدافش نائل میگردد. بنابراین امید به آینده از راه پذیرفتن "دیگری" امکان پذیر است به این معنی که مشورت کنیم و اطرافیان را بشنویم و متقابلاً افکار و اعتقادات شخصی خود را در میان بگذاریم. به عبارت دیگر باید یاد بگیریم که چگونه بر حسب امیدمان زندگی کنیم. بر حسب امیدمان برنامه زندگیمان را تعیین میکنیم، یعنی امید به ما چگونه زیستن را می آموزد. امید داشتن بزرگترین و قویترین مبارزه علیه ناامیدی و یأس است.

به چه چیز امیدوار باشیم؟

در جواب این سوال پولس رسول میگوید که عیسی مسیح امید ما است (اول تیموتائوس ۱/۱). سه فضیلت ایمان و امید و محبت (اول قرن ۱۳/۱۳)، کاملاً به هم وابسته اند، اما این امید است که ایمان را استواری میبخشد و محبت را ممکن میسازد. مسیحیان با زیستن در محبت و ایمان، به امید آن هستند که آنچه نادیدنی است به وقوع بپیوندد و این اتفاق است که روزانه در زندگی رخ میدهد.

اعمال رسولان ۶/۲۳: "امید و قیامت از مردگان" و همچنین تیطس ۷/۳: "تا به فیض او عادل شمرده شده و وارث گردیم بحسب امید، حیات جاودانی را" اینها حاصل از ایمان ما به رستاخیز مسیح که از راه او فرزندان خدا میگردیم.

خداوند مسیح را در دل خود تقدیس نمایید و پیوسته مستعد باشید تا هر که سبب امیدی را که دارید از شما بپرسد او را جواب دهید لیکن با فروتنی و ترس از خدا (اول پطرس ۱۵/۳).

چگونه ایمان داشتن؟

این جمله پطرس رسول ما را به زیستن در امید فرا میخواند؛ و اما امیدی که حاصل از تعهد و سعی فرد مسیحی میباشد. امید ما به مسیح رستاخیز کرده و شراکت در حیات ابدی، باعث میشود تا از فعال بودن در زندگی اجتماعی و سازنده بودن و بنا کردن برای آینده بشری، شانه خالی نکنیم. و اما نیروی امید یک فرد مسیحی از کلیسا نشأت میگیرد. به این معنی که نزدیک تر شدن دیدگاه ها باعث یکی شدن افق پر امید به فردا میگردد و همین همگانی شدن یک هدف را در میان ایمانداران میآفریند. شادی از نشانه های امید است. شادی حاصله از امید فرد مسیحی، ثمره زیستن با مسیح میباشد.

نکته!

به ایام روزه رسیدیم...

هر سال در چنین ایامی متن مشخص و مربوط را میخوانیم؛ متون مربوطه برای نزدیکتر شدن ما به خداست.

سنن قدیمی: عیسی و شاگردانش یهودی بودند. در کتاب مقدس آمده که هر ایماندار باید این سه سنت را حرمت بدارد: دعا یعنی لحظاتی که شخص فقط با خداست؛ صدقه که به معنی سهیم کردن نیازمندان در برکت خانه ام میباشد؛ و نهایتاً روزه که شخص با پرهیز از لذت خوردن هم متوجه رنج نخوردن میشود و هم سعی میکند تا از کلام خدا بعنوان نان روح تغذیه شود.

بدور از هر نوع خودنمایی: عیسی میخواهد که این سنن را در نهان رعایت کنیم تا مبدا با دریافت تحسین دیگران اجر خود را در این دنیا یافته باشیم. زیرا هر کدام از این راهها برای نزدیکتر شدن به دیگران است و نه اندوختن اعمال نیک در حساب بانکی آسمان!

ایمان در عمل: ایمان یک رابطه پر مهر و اعتماد بین ما و خداست. این پیوند در قلب هر ایماندار رخ میدهد که معیار او در چگونگی روابط اجتماعی اش میگردد. دعا و صدقه و روزه وسایلی هستند که با آنها رابطه ایمان را با خدا صمیمانه تر و حضور و اهمیت دیگران در زندگیمان پر رنگ تر میسازد.

گرما و فضا

سرما سخت زمستان باعث شد که جوجه تیغی ها دورهم جمع شوند تا بلکه گرمتر شوند. اما جا کم بود و مرتب به هم میخوردند و تیغ هایشان باز آزارشان میشود. بنابراین دوباره از هم جدا شدند و هر کس به لانه اش رفت. کمی بعد باز از زور سرما، علیرغم میلشان، دور هم جمع شدند. باز هم به هم میخوردند و باعث آزار همدیگر می شدند. تا اینکه بالاخره توانستند یک فاصله معقولی را حفظ کنند تا نه تنها تیغ هایشان به تن هم فرو نروند بلکه بتوانند تا آخر زمستان با هم بمانند.

اخبار و تقویم کلیسای

- یکشنبه ۱۱ اسفند ۹۲ = ۲ مارچ ۲۰۱۴، یکشنبه اول روزه
رساله: افسسیان فصل ۴ آیه ۱۷ الی فصل ۵ آیه ۲۱
انجیل: متی فصل ۳ آیه ۱۶ الی فصل ۴ آیه ۱۱

- دوشنبه ۱۲ اسفند ۹۲ = ۳ مارچ ۲۰۱۴، شروع روزه پنج‌جمله روزه تا ظهر و پرهیز از گوشت و چربی ها و تمام این هفته پرهیز از گوشت

- یکشنبه ۱۸ اسفند ۹۲ = ۹ مارچ ۲۰۱۴، یکشنبه دوم روزه
رساله: رومیان فصل ۶ آیه ۱-۲۳
انجیل: متی فصل ۷ آیه ۱۵-۲۷

- یکشنبه ۲۵ اسفند ۹۲ = ۱۶ مارچ ۲۰۱۴، یکشنبه سوم روزه
رساله: رومیان فصل ۷ آیه ۱۴-۲۵
انجیل: متی فصل ۲۰ آیه ۱۷-۲۸

- چهارشنبه ۲۸ اسفند ۹۲ = ۱۹ مارچ ۲۰۱۴، عید حضرت یوسف نماز ساعت ۱۰ صبح در کلیسای حضرت یوسف برگزار می‌گردد.

- یکشنبه ۳ فروردین ۹۳ = ۲۳ مارچ ۲۰۱۴، یکشنبه چهارم روزه
رساله: رومیان فصل ۸ آیه ۱۲-۲۷
انجیل: متی فصل ۲۱ آیه ۲۳-۴۶

- یکشنبه ۱۰ فروردین ۹۳ = ۳۰ مارچ ۲۰۱۴، یکشنبه پنجم روزه
رساله: رومیان فصل ۱۲ آیه ۱ الی آخر
انجیل: یوحنا فصل ۷ آیه ۳۷-۵۲ و فصل ۸ آیه ۱۲-۲۰

- شاید من موجود عادی باشم ، اما وقتی حقیقت را می گویم شکست ناپذیر می شوم
- رضایتمندی در کوشش است نه در رسیدن به هدف ، کوشش کامل پیروزی کامل است
- ایمان راهنمای ما در دریا‌های توفانیست ، ایمان کوه ها را جابه جا می کند و از اقیانوس می گذراند
- اگر حق با تو باشد اجازه داری متانت داشته باشی ، اگر حق با تو نباشد اجازه نداری متانت و آرامش خود را از دست بدهی
- شکیبائی و مدارا به این معنا نیست که با هرچه مدارا می کنیم ، آن را حتماً قبول داشته باشیم
- من با تمام وجود از نوشیدن مشروب ، خوردن گوشت و سیگار کشیدن متنفرم ، اما این کارها را در مورد دیگران تحمل می کنم ، همان طور که از تمام آنان انتظار دارم که پرهیز را از موارد بالا تحمل کنند ، حتی اگر از این کار من متنفر باشند
- برای دیدن روح عالم گیر و نافذ حقیقت ، باید قدرت دوست داشتن خبیث ترین موجودات را داشت
- مرگ ، دوست ما است ، مرگ با وفاترین رفیق است و ما را از رنج می رهند ، از ما در مقابل خودمان حمایت می کند ، همواره موقعیت و امیدهای تازه ای به ما می دهد مانند خواب یک نوآفرین پُر مهر است.